فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۴، صفحات ۵۹-۸۴

نسبت دین و ورزش: بررسی رابطه‌ی دینداری و مشارکت ورزشی در میان دانشجویان دانشگاه یزد

مهربان پارسامهر[۱]، سیّد پویا رسولی‌نژاد[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۶

چکیده

هدف از نگارش مقاله‌ی حاضر، تبیین نظری و تجربی رابطه‌ی دینداری و مشارکت ورزشی است. این مطالعه از نوع پیمایشی است و جمعیّت آماری آن را دانشجویان دانشگاه یزد در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تشکیل می‌دهند. اطّلاعات مورد نیاز برای سنجه‌های دینداری و مشارکت ورزشی با پرسش‌نامه از یک نمونه‌ی ۳۷۲ نفری که بر اساس فرمول کوکران تعیین و به روش طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند، به‌دست آمده است. آزمون‌های اعتبار و پایایی مؤیّد اعتبار و پایایی بالای سنجه‌ها بوده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، میزان دینداری زنان بیش‌تر از مردان بوده است، امّا مردان مشارکت ورزشی بیش‌تری نسبت به زنان داشته‌اند. از نظر آماری، دینداری رابطه‌ی مستقیم و معناداری با مشارکت ورزشی داشته است. در میان ابعاد دینداری نیز بعد اعتقادی دارای قوی‌ترین رابطه با متغیّر مشارکت ورزشی بوده است. بر اساس یافته‌های رگرسیونی، ابعاد پنج‌گانه‌ی دینداری در مجموع، ۳۲ درصد از تغییرات مشارکت ورزشی را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: دینداری، مشارکت ورزشی، بعد اعتقادی، دانشجویان.

[۱] دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد parsamehr@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علّامه طباطبایی (نویسنده‌ی مسؤول) puya_rasulinejad@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدّمه

دین به‌عنوان پدیده‌ای گسترده و اثرگذار، نظام اعتقادی سازمان‌یافته‌ای است که همراه با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال، تعیین‌کننده‌ی شیوه‌ی پاسخ‌دهی افراد به تجارب زندگی است (زولینگ[1] و همکاران، ۲۰۰۶). دین که اساساً با نمادهای غیرعینی سر و کار دارد، احساسات، ارزش‌ها و امیدهای مؤمنان را بیان می‌کند یا جریان‌های کنش متقابل میان انسان‌ها و اعیان خارجی را سازمان می‌دهد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۵). دینداری، نظامی عملی مبتنی بر اعتقادات است که در قلمرو ابعاد فردی و اجتماعی از جانب پروردگار برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی فرستاده شده و شامل عقاید، باورها، نگرش‌ها و رفتارهایی است که با هم پیوند دارند و یک احساس جامعیّت را برای فرد تدارک می‌بینند (آرین، ۱۳۷۸)؛ به‌گونه‌ای که شخص دیندار خود را ملزم به پیروی و رعایت از این مجموعه می‌داند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). بر اساس این تعریف، دیندار «کسی است که با آگاهی به اصول و شعائر یک مذهب، در نظر و عمل، پیروی آن دین را اتّخاذ می‌کند و این پیروی بر زندگی دینی و غیردینی او تأثیر می‌گذارد» (انوری، ۱۳۷۳: ۱۵۶).

بیش‌تر ادیان جهان با آن‌که تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، پیروان خود را به فعّالیّت‌های مثبت فرا می‌خوانند. از این رو، دین یکی از عوامل اثرگذار بر رفتار و شناخت به‌شمار می‌رود (اسکامن[2]، ۲۰۰۲) و مذهب و دینداری به‌عنوان یک میانجی بر فرایند فکری و ارزیابی رویدادهای روزمرّه‌ی زندگی فرد اثر می‌گذارند. یکی از مسائلی که برخی دانشمندان و صاحب‌نظران از آن به‌عنوان یکی از پیامدهای دین و دینداری سخن می‌گویند، مشارکت در فعّالیّت‌های ورزشی است. مشارکت ورزشی، منافعی آشکار از جمله منافع جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی برای اعضای جامعه به ارمغان می‌آورد. شواهد و یافته‌های فراوانی دالّ بر افزایش سطح سلامت از طریق مشارکت مداوم و پیوسته در فعّالیّت های ورزشی وجود دارد. مطالعات تجربی و کلینیکی، در طول چهل سال گذشته نشان داده‌اند که آمادگی جسمانی پایین و عدم فعّالیّت ورزشی، عاملی مهم در افزایش میزان بیماری‌ها در میان افراد به‌شمار می‌رود (پارسامهر و ترکان، ۱۳۹۱: ۷۰). در سوی مقابل، بر اساس یافته‌های دانشمندان، مشارکت منظّم در فعّالیّت‌های ورزشی، موجب افزایش طول عمر و جلوگیری از بروز انواع بیماری‌ها می‌شود (سالیس[3] و همکاران، ۲۰۰۰) و تأثیری مثبت بر میزان

[1] Zulling
[2] Schumann
[3] Sallis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شادابی و طراوت افراد، کسب لذّت و هیجان، کاهش افسردگی و افزایش عزّت نفس و خودکارآمدی دارد (ریان[1]، ۱۹۸۰). مشارکت در فعّالیّت‌های ورزشی علاوه بر نتایج مثبت روان‌شناختی، منافع اجتماعی بسیاری همچون برقراری و ایجاد روابط دوستانه، پذیرش در میان گروه هم‌سالان و حمایت شدن از سوی اطرافیان و نزدیکان نیز برای فعّالان این عرصه در بر دارد (ویس[2]، ۱۹۹۳).

دین به همراه ورزش به‌عنوان دو نهاد اصلی، چشم‌اندازهای اجتماعی بسیاری را در زندگی ما تشکیل می‌دهند (براچ[3]، ۱۹۷۲). در فرهنگ باستانی، رقابت‌های بزرگ ورزشی بخشی از جشنواره‌های مقدس و فعّالیّتی اجتناب‌ناپذیر و شادی‌آور به‌شمار می‌آمده است. ورزش به همراه دین ابزار ضروری برای توسعه، وحدت، ثبات، با هم بودن و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در میان ورزشکاران مرد و زن و نیز تماشاگران یعنی دوستداران ورزش است (جونا و اوکوآ[4]، ۲۰۱۳). به اعتقاد صاحب‌نظران، ارزش‌های دینی در جهان‌بینی ورزش نهفته هستند؛ بدین معنا که ورزش مظهر ارزش‌های دینی از جمله توسعه‌ی شخصیّت، سخت‌کوشی، ایستادگی و استقامت است و مانند مذهب این ویژگی‌ها و رفتارها را ترویج می‌کند. از این رو، چندین اصل مشترک ذاتی میان ورزش و دین وجود دارد؛ اصولی مانند شخصیّت‌سازی، نظم و انضباط، رقابت، آمادگی جسمی، عملکرد ثابت، تناسب‌اندام روانی، بی‌طرفی، بازی‌کردن با توجّه به قوانین و ملّی‌گرایی (ایتزن و سیج[5]، ۱۹۹۷). به این ترتیب، گرد آمدن ورزشکاران مرد در محافل برای انجام دعا پیش از شروع بازی، امری غیرمعمولی نیست و بیش‌تر این بازیکنان اغلب برای کسب موفّقیّت با خداوند ارتباط برقرار می‌کنند. در واقع، رابطه‌ی میان ورزش و دین را تقریباً در هر بخشی از جهان می‌توان یافت (جونا و اوکوآ، ۲۰۱۳).

هم‌چنین ممکن است ورزشکاران از مذهب و اعتقادات خود به‌عنوان یکی از منابع حمایت و پشتیبانی روحی و روانی و برای غلبه بر چالش‌ها و عدم اطمینان در رقابت‌ها استفاده کنند و معنا و مفهومی خاص برای زندگی ورزشی خود بیابند. مربیان نیز ممکن است به اشکال مختلف از اعتقادات دینی و مذهبی برای برقراری وحدت و هم‌بستگی تیمی و ایجاد مبنایی برای کنترل اجتماعی ورزشکاران خود بهره جویند. این کار، امری بسیار متداول در مدارس و دانشکده‌های

[1] Ryan
[2] Weiss
[3] Brasch
[4] Jona & Okou
[5] Eitzen & Sage

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ورزشی در برخی از نقاط جهان است؛ جایی که در آن برگزاری مراسم مذهبی پیش از شروع هر مسابقه، بسیار حیاتی است. به عقیده‌ی هافمن، این مراسم غالباً این احساس را در ورزشکاران برمی‌انگیزاند که بر بعضی از اتّفاقاتی که در جریان مسابقات روی می‌دهد، غلبه یابند و آن‌ها را کنترل کنند. بدین ترتیب استفاده از آیین‌ها و مراسم مذهبی، در میان ورزشکاران به‌طور گسترده شایع شده است؛ روزنامه‌نگاران به توصیف چنین مراسمی پرداخته و تماشاگران نیز رأی به وجود آن داده‌اند. مراسم بازی‌های جدید المپیک با تشریفاتی آغاز می‌شود و اختتامیه‌ی آن با مشعل، ادای سوگند، پرچم‌ها و نمادها همراه است. باورهای مذهبی و این‌گونه مراسم و آیین‌ها می‌تواند منجر به تقویت روحی، از بین رفتن اضطراب و افزایش تمرکز و اعتماد به نفس ورزشکاران در مواجهه با رقیبان شود (پربیش[1]، ۱۹۹۳). ویلی وایت، دارنده‌ی مدال طلای پرش طول زنان در بازی‌های المپیک ۱۹۸۴، درباره‌ی موفّقیّت خود چنین می‌گوید: «من عصبانی بودم، بنابراین دعای عهد جدید و آیه‌ای را درباره‌ی این که اصلاً نباید بترسم، خواندم و احساس آرامش پیدا کردم. سپس شروع کردم به پریدن و بیش از هر زمان دیگری در زندگی‌ام پریدم». اگرچه همه‌ی ورزشکاران از باورهای مذهبی خود به این شیوه استفاده نمی‌کنند، امّا در برخی ورزشکاران نوعی تمایل به فراخوانی دین و مذهب خود، برای کمک به آن‌ها در مواجهه با چالش‌ها و عدم قطعیّت‌ها وجود دارد (جونا و اوکوآ، ۲۰۱۳).

ورزش به هر شکلی که باشد، بخشی از فرهنگ جامعه محسوب می‌شود. فرهنگ جامعه‌ی ایرانی از روزگار کهن، دینی بوده و اصولاً دین در جغرافیای ایران و در کلّ تاریخ این سرزمین، یکی از ضرورت‌ها و بایسته‌ها به‌شمار می‌آمده است. در ورزش نیز از گذشته‌های دور، حضور پررنگ دین و آموزه‌های دینی قابل مشاهده است؛ به‌عنوان نمونه، ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران از آغاز به‌طور گسترده تحت‌تأثیر مسائل مذهبی و اجتماعی- اخلاقی قرار داشته است و پیش از اسلام، آیین‌ها و ادیانی مانند آیین مهری و دین زرتشتی بر این ورزش باستانی اثر گذاشته‌اند. پس از اسلام نیز جلوه‌هایی از رفتارهای اجتماعی و دینی مانند عرفان و تصوّف، آیین فتوّت و مذهب تشیّع در آن نمود پیدا کرده و هم در ظاهر این ورزش (شیوه‌ی لباس پوشیدن، مکان ورزش، گفتار ورزشکاران و ...) و هم در کردار ورزشکاران آن (پاک‌دامنی، سحرخیزی و ...) اثر گذاشته است. هم‌چنین ایرانیان به‌عنوان اعضای جامعه‌ای اسلامی، همواره قرآن و سیره‌ی اهل بیت معصومین (ع) را الگو و سرمشق خود قرار می‌دهند. بر این اساس، آیات و روایات متعدّدی بر

[1] Prebish

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سلامت جسم و تندرستی و حفظ روح و بدن سالم تأکید دارند. با توجّه به تأکیدات وحیانی و توصیه‌های معصومین (ع)، در اسلام ورزش رنگ دینی به خود گرفته و نوعی مناسک دینی نیز شناخته می‌شود. از این رو، در شکل و پردازش آیین‌ها و رسوم ورزش در اسلام، نمادهای دینی نقش پررنگی می‌یابند؛ به‌گونه‌ای که از یک میدان ورزش و یک صحنه‌ی ورزشی بهره‌برداری دینی نیز می‌شود و این میدان عرصه‌ای برای آموزش مفاهیم و آموزه‌های دینی به‌شمار می‌آید (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

با توجّه به این که بخش زیادی از سرمایه‌های معنوی و مادّی کشور برای دانشجویان هزینه می‌شود، شناخت هر عاملی که سلامت جسمی و فکری آنان را تحت‌تأثیر قرار دهد و در کارایی آن‌ها تأثیر مثبتی داشته باشد، الزامی به‌نظر می‌رسد. هم‌چنین دانشجویان خود الگوی مناسبی برای سایر افراد جامعه به‌ویژه جوانان هستند و قطعاً مشارکت آنان در فعّالیّت‌های ورزشی می‌تواند به آموزش سایر افراد جامعه نیز بینجامد. به‌علاوه، نمی‌توان از نقش ایمان و اعتقادات مذهبی در مشارکت افراد در ورزش صرف‌نظر کرد؛ زیرا مذهب نقش حمایتی مهمّی در مشارکت ورزشی و دست‌یابی به تندرستی دارد. با توجّه به اهمّیّت این مقوله، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا میان دینداری و مشارکت ورزشی رابطه‌ای وجود دارد؟

پیشینه‌ی تحقیق

اگرچه پژوهش‌هایی درباره‌ی رابطه‌ی دینداری و ورزش در جوامع دیگر انجام شده، امّا بررسی‌ها بیانگر آن است که در ایران پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است. برخی تحقیقات کمّی درباره‌ی نقش دین در زندگی ورزشکاران نشان می‌دهد که دین سازه‌ای مهم برای ورزشکاران است و پیامدهای مهمّی برای سلامت آنان دارد. استورچ و استورچ[1] (۲۰۰۲) رابطه‌ی میان اعتقادات دینی و افسردگی را بررسی و این فرضیّه را مطرح کرده‌اند که دینداری و تدیّن، از ورزشکاران در برابر تأثیرات افسردگی محافظت می‌کند. بر اساس یافته‌ها، به‌وضوح رابطه‌ی منفی معنی‌داری میان تدیّن درونی و نشانه‌های عاطفی افسردگی وجود دارد. هم‌چنین نتایج نشان داده‌اند که اعتقادات دینی درونی در ورزشکارانِ در حال تحصیل، مانند سپر و مانعی در برابر نشانه‌های عاطفی افسردگی عمل می‌کند. استورچ و همکاران (۲۰۰۳) رابطه‌ی میان مذهبی بودن و استفاده از موادّ مخدّر را در ورزشکارانِ در حال تحصیل بررسی و این فرضیّه را ارائه کرده‌اند که هرچه

[1] Storch & Storch

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اعتقادات دینی در سطوح بالاتری باشد، میزان مصرف موادّ مخدّر پایین‌تر است؛ به عبارتی، تدیّن درونی ورزشکاران با استفاده از الکل، ماری‌جوانا و دیگر موادّ مخدّر، رابطه‌ی معکوس داشت. این مطالعه نشان داده که اعتقادات دینی از ورزشکاران در برابر رفتارها و اعمال زیان‌بار محافظت می‌کند و نقش مهمّی در سلامت آنان دارد. بر پایه‌ی نتایج پژوهش دیلون و تایت[1] (۲۰۰۰) هرچه میزان معنویّت بالاتر باشد، ورزشکاران رضایت‌مندی، سرحالی و روی فرم بودن را بیش‌تر احساس خواهند کرد. بر این اساس، استفاده از روش‌های معنوی برای مقابله با تجربه‌های مختلف ورزشی و روی فرم بودن مؤثّر است.

برخی دیگر از پژوهشگران، از طریق روش‌های کیفی نگاهی دقیق‌تر به نقش اعتقادات و اعمال مذهبی در ورزشکاران و چگونگی به‌کارگیری آن‌ها در فعّالیّت‌های ورزشی خود داشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، ورناچیا[2] و همکاران (۲۰۰۰) در مصاحبه‌ای با ۱۵ نفر از ورزشکاران دو و میدانی المپیک از ایالات متّحده، دریافته‌اند که باورهای مذهبی ورزشکاران به چند صورت مختلف می‌تواند در ورزش آنان مؤثّر باشد. اوّلاً، چند تن از ورزشکاران اظهار داشتند که باورهای مذهبی و معنوی به توسعه و پیشرفت توانایی‌های ورزشی آنان کمک کرده است؛ مثلاً ورزشکاری می‌گوید: «به جرأت می‌توانم بگویم که این زندگی معنوی من بود که به من کمک کرد تا بتوانم کاری انجام دهم. پروردگارم از من محافظت کرد؛ مرا هدایت کرد و زمانی که زانوهایم آسیب دیده بود، مرا شفا داد. هنگامی که ناامید و درمانده بودم و نمی‌دانستم که آیا می‌خواهم به رقابتم در دو و میدانی ادامه دهم یا نه، مرا امیدوار نگه داشت. کار خیلی سختی بود ولی من با کمک پروردگار، امیدوار ماندم و به راهم ادامه دادم و قهرمان ملّی شدم». ثانیاً، برخی دیگر از ورزشکاران اشاره کردند که اعتقادات دینی، در مقابله با چالش‌های بسیاری (مانند مصدوم شدن، آموزش و تمرینات سخت) که در ورزش با آن‌ها مواجه می‌شدند و نیز استقامت در شرایط دشوار، به آنان کمک کرده است. یک ورزشکار پس از دوران نقاهت و رفع آسیب‌دیدگی اظهار داشت: «من برای جبران برگشته‌ام. من خیلی دعا کردم و از خدا خواستم که مرا راهنمایی کند و به من قدرت بدهد که کارم را بهتر انجام دهم. من برگشتم و قهرمان جهان شدم». در نهایت، می‌توان گفت اعتقادات دینی معنای عمیق‌تری به تجربه‌های مثبت (برنده شدن) یا منفی (باختن یا مصدوم شدن) ورزشکاران می‌بخشد.

[1] Dillon & Tait
[2] Vernacchia

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در پژوهشی دیگر، وریزبرگ[1] و همکاران (۲۰۰۴) نقش دعا و نیایش را در زندگی ورزشکاران مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنان با ۹ گروه از ورزشکاران مسیحی مصاحبه کرده و گزارش داده‌اند که ورزشکاران اغلب از دعا به‌عنوان روشی برای بهبود و ارتقای عملکرد خود و راهی برای مقابله با استرس و درخواست امنیّت و سلامتی برای هم‌تیمی‌ها، رقبا و شرکت‌کنندگان، در طول رقابت بهره می‌بردند. هم‌چنین ورزشکاران دعا می‌خواندند و این کار به آنان کمک می‌کرد تا در طول بازی از بهترین توانایی‌های خود بهره گیرند. در ضمن، هیچ‌کدام از ورزشکاران از دعا برای منفعت خود و برنده شدن استفاده نمی‌کردند. علاوه بر این، دعا بخشی از کارهای روزمرّه‌ی ورزشکاران، هم در طول تمرین و هم در زمان رقابت و بازی بود که آن را به‌طور مرتّب انجام می‌دادند. آنان به خاطر توانایی‌ها و موفّقیّت‌های خود در ورزش، همواره خداوند را شکر می‌کردند و این شکرگزاری برای برخی از آنان منبع انگیزه بوده است؛ به‌عنوان نمونه، در این زمینه ورزشکاری چنین گفته است: «از خدا تشکّر می‌کنیم، چون می‌دانیم که این فرصت و موقعیّت را خدا برای ما به وجود آورده است و من این بازی را برای تشکّر از خدا انجام دادم و می‌دانم ورزشکاران زیادی هستند که این کار را می‌کنند. زمانی که می‌خواهم وارد زمین شوم به خدایی که در کنارم زنده و حاضر است، می‌گویم: من تو را به خاطر داشتن خانواده‌ام شکر می‌کنم و از طریق بازی کردن در زمین به خاطر تو، به تو می‌گویم که چه اندازه شکرگزارت هستم و این انگیزه و نیروی محرّکه‌ی من در زندگی است». آخرین موضوعی که ورزشکاران از آن به‌عنوان خواست الهی یاد می‌کنند، آن است که به باور بسیاری از آنان، توانایی و عملکردشان در بازی، تحت کنترل و اراده‌ی خداوند است. این دیدگاه به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند با فراز و نشیب‌هایی که در ورزش تجربه می‌کنند، راحت‌تر کنار بیایند.

مطالعات ورناچیا و همکاران (۲۰۰۰) و وریزبرگ و همکاران (۲۰۰۴) نشان داده برخی ورزشکاران عقاید و اعمال مذهبی خود را به شکلی پررنگ همراه خویش به زمین بازی می‌برند و دین برای برخی قهرمانان ورزشی به‌عنوان راهی برای آمادگی، عملکرد و ارزیابی آنان از فعّالیّت ورزشی‌شان، دارای اهمّیّت است. در واقع، جایگاه دین در زندگی ورزشکاران و در نتیجه در ورزش، چندوجهی، مشترک و قدرتمند است. به‌نظر می‌رسد عقاید و باورهای مذهبی در مواضع مختلفی برای مقابله با فراز و نشیب‌های ورزشی، به ورزشکاران کمک می‌کند و به آنان درک عمیق‌تری از تجربیّاتشان می‌دهد.

[1] Wrisberg

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

چارچوب نظری

هم‌بستگی بین ورزش و دین موجب شکل‌گیری بحث‌ها و تحقیقات فراوانی در میان دانشمندان علوم اجتماعی شده است. بسیاری از آنان نظریّه‌هایی درباره‌ی شباهت‌های عملکردی میان ورزش و دین و ویژگی‌های برجسته‌ی دینی- ورزشی مطرح کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، هافمن[1] (۱۹۹۲) و کواکلی[2] (۲۰۰۱) اشاره می‌کنند که دین و ورزش برای گردهمایی‌ها و برنامه‌های خاصّ خود دارای مکان‌ها و ساختمان‌هایی ویژه هستند؛ ورزش دارای استادیوم و باشگاه است و ادیان نیز کلیسا و کنیسه دارند. هر دوی آن دارای کتاب‌ها و داستان‌هایی با هدف بهبود شخصیّت افراد هستند. ورزش کتاب راهنما، تمرین و زمان خاص دارد و دین نیز دارای کتاب مقدّس، مراسم مذهبی و خلوتگاه است. هر دو اغلب با سلسله‌مراتب ساختاری خاصّی کنترل می‌شوند. ورزش دارای مربّی، هیأت کمیسیون و سرمایه‌گذار است و دین هم مبلّغ مذهبی، کشیش، اسقف و پیامبر دارد. هر دو دارای برنامه‌های خاصّی هستند که در آن‌ها ارزش‌های درونی خود را در زمان‌های خاصّی به‌عنوان یک رویداد ویژه جشن می‌گیرند. هر دو حاوی مراسم بسیار مهمّی پیش، حین و پس از رویدادهای مهم هستند. در ورزش مراسم ویژه در شروع مسابقات، مذاکرات بین دو نیمه و دست دادن بعد از بازی وجود دارد و دین نیز دارای غسل تعمید، سرودهای مذهبی آغاز و پایان مراسم و دسته‌جات مذهبی است. در هر دوی آن‌ها افسانه‌ها و قهرمانان بسیاری وجود دارد. اعمال خوب قهرمانان در ورزش به‌وسیله‌ی طرفداران، مربّیان و روزنامه‌نگاران بازگو می‌شود و این قهرمانان به شهرتی مقدّس‌وار می‌رسند. در مذهب نیز قهرمانان به بالاترین حدّ تقدس می‌رسند؛ داستان‌های آنان به‌کرّات از سوی گروه‌های دینی و کشیشان نقل می‌شود و در ادبیّات دینی به یادگار می‌مانند.

پربیش (۱۹۹۳) و نواک[3] (۱۹۹۲) از توصیف همگرایی ورزش و دین فراتر می‌روند و بر تشابهات عملکردی و ساختاری آن‌ها تمرکز می‌کنند. از دیدگاه آنان ورزش و دین هر دو برای افراد زمینه‌ای فراهم می‌آورند که در آن می‌توانند چیزی را برتر از خود و آن چه هستند، تجربه کنند و ارائه دهند؛ چیزی که به آنان اجازه می‌دهد به تکامل دست یابند. به باور پربیش (۱۹۹۳) ورزش و دین از طریق زهد، آیین‌های مذهبی، جشن‌ها و هم‌بستگی (میان طرفداران و ورزشکاران در ورزش و کشیش‌ها و خدا در دین)، فرصت‌هایی برای افراد ایجاد می‌کنند تا به «حقیقت غایی»

[1] Hoffman
[2] Coakley
[3] Novak

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

(یعنی چیزی فراتر از دنیای مادّی و زندگی روزمرّه) برسند. نواک (۱۹۹۲) نیز معتقد است آیین‌هایی در ورزش (مانند شعار دادن، جشن‌ها و سخنرانی‌های قبل از بازی) و مذهب (مثل عشای ربّانی، روزه گرفتن و دعا خواندن) وجود دارند که پیشرفت افراد را به سمت رهایی کامل، ممکن می‌سازند. برخی پژوهشگران، این مباحث را فراتر برده و چنین ادّعا کرده‌اند که ورزش به خودی خود، یک دین است. با این حال، ارتباط میان ورزش و دین به گونه‌ای که در زندگی ورزشکاران حضور دارد، هنوز به‌خوبی شناخته نشده است؛ به‌عنوان نمونه، روان‌شناسان ورزشی از جمله بالاگ[1] (۱۹۹۷) و ویس (۲۰۰۰) اشاره کرده‌اند که ورزشکاران از باورها و اعتقادات دینی خود در آمادگی، اجرای فعّالیّت‌های ورزشی و شیوه‌ی شرکت در ورزش بهره می‌برند، امّا فرایندی که این مسأله طی آن روی می‌دهد، کم‌تر مورد توجّه قرار گرفته یا حتّی می‌توان گفت هیچ توجّهی به آن نشده است.

در میان نظریّه‌هایی که به تبیین مشارکت ورزشی پرداخته‌اند، می‌توان به نظریّه‌ی «مقدّس شمردن ورزش» اشاره کرد. در هسته‌ی روان‌شناسی دین، محقّقان به مطالعه‌ی شیوه‌های مختلف درک و رویکرد افراد به آن چه در نظر آنان مقدّس است، می‌پردازند. پژوهش در روان‌شناسی دین راهی برای بررسی تجربه‌های معنوی مردم است. یکی از شاخه‌های این علم که بر توانایی افراد در مقدّس شمردن پدیده‌ها متمرکز می‌شود، می‌تواند چارچوبی مفهومی به منظور درک رابطه‌ی میان ورزش و دین برای ما فراهم کند. این رشته از تحقیقات نشان می‌دهد هر چیز به‌ظاهر عادی مانند ورزش نیز می‌تواند اهمّیّت معنوی داشته باشد. در نتیجه، ورزش می‌تواند بخشی جدایی‌ناپذیر از درک معنوی افراد باشد و برای آنان پدیده‌ای مقدّس به‌شمار آید (کوئینتن[2]، ۲۰۰۸: ۳۴).

پارگامنت و ماهونی[3] (۲۰۰۵) واژه‌ی «تقدیس» را چنین تعریف کرده‌اند: «تقدیس روندی است که به درک جنبه‌های مختلف زندگی با داشتن اهمّیّت و ویژگی‌های الهی اشاره دارد». این فرایند شرایطی را فراهم می‌کند تا مسائل معمولی دنیا را به شکلی فوق‌العاده، به کیفیّتی متعالی برسانیم. فرایند تقدیس، در زمینه‌ها و پدیده‌های گوناگونی چون اشخاص (مانند پاپ، خاخام و بودا)، مکان‌ها (مانند معابد، کنیسه‌ها و سرزمین‌های مقدّس)، زمان‌ها (مانند آخرین روز هفته) و مصنوعات فرهنگی (مانند سرودهای مذهبی و کتاب‌های دینی) می‌تواند متجلّی شود؛ به عبارتی، همه‌ی پدیده‌های مذکور می‌توانند کیفیّتی مقدس‌گونه بیابند. همان‌گونه که برخی مردم برای بعضی

[1] Balague
[2] Quinten
[3] Pargament & Mahoney

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پدیده‌های دنیایی اهمّیّت و ویژگی‌های الهی قائل می‌شوند، برخی ورزشکاران نیز برای جسم خویش، شرکت در فعّالیّت‌های ورزشی و شیوه‌ی ورزش و رقابت خود، ویژگی و اهمّیّتی الهی و دینی قائل هستند و ممکن است این چیزها را امری مقدّس بدانند.

در مطالعه‌ی تقدیس‌گرایی، محقّقان به دو شیوه‌ی مقدّس شدن موضوعات اشاره می‌کنند؛ نخستین شیوه، درک پدیده‌ها به‌عنوان مظهری از خدا یا مظاهری از تصوّرات، عقاید یا تجربیّات شخص از خداوند (خداباوری) است. در بسیاری از سنّت‌های مذهبی، پیروان می‌آموزند که بسیاری از جنبه‌های زندگی و جهان، مظهر تجلّی و اراده‌ی پروردگار است؛ به‌عنوان نمونه، برخی زمین را جلوه‌ای از قدرت خداوند خلّاق می‌دانند و در نتیجه، آن را پدیده‌ای مقدّس به‌شمار می‌آورند. علاوه بر این، بسیاری از ادیان بر این باورند که روش‌های خاصّی از زندگی مانند کردار نیک، نشان‌دهنده‌ی حضور خداوند است. این باورها و عقاید در ورزش نیز کاربرد دارند. بر همین اساس، برخی ورزشکاران معتقدند که چون جسم آن‌ها آفریده‌ی خداوند است، استفاده از آن در ورزش مظهر قدرت و خیرخواهی خداوند خلّاق است. برخی نیز توانایی‌های ورزشی خود را استعدادها و هدیه‌هایی از سوی پروردگار بخشنده می‌دانند. در دومین شیوه‌ی تقدیس که در غیر ادیان دیده می‌شود، پدیده‌ها به شکل غیرمستقیم، مقدّس شمرده می‌شوند؛ پدیده‌هایی که دارای ویژگی‌های روحانی، الهی، عرفانی و متعالی هستند. از جمله‌ی این پدیده‌ها باید به حقیقت نهایی، اهداف والا و بخشندگی اشاره کرد. بنابراین ممکن است برای افرادی که به خدا یا قدرتی برتر اعتقاد ندارند، جنبه‌های خاصّی از زندگی مقدّس شمرده شود. وطن و گورستان به‌عنوان زمینی مقدّس، جنگ به‌عنوان عملی مقدّس و برخی افراد که با ویژگی‌هایی مقدّس و روحانی شناخته می‌شوند، نمونه‌های دیگری از این نوع تقدیس هستند (پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵).

به‌طور مشابه در ورزش هم پدیده‌هایی نظیر زمین بازی، مقدّس به‌شمار می‌آیند؛ رویدادهای ورزشی مانند حماسه تلقّی می‌گردند و ورزشکاران برجسته ستایش می‌شوند. هم‌چنین این امکان وجود دارد که ورزشکاران بدن، فعّالیّت و تجربه‌های خود را بهشتی، آسمانی و الهام‌بخش روح بدانند. سازه‌ی تقدیس همان‌گونه که در روان‌شناسی دین تعریف شده است، چارچوبی برای درک و اندازه‌گیری این مسأله که ورزشکاران شرکت خود را در ورزش تا چه حد مقدّس می‌شمارند، فراهم می‌کند. همین علم چند مفهوم مهمّ دیگر تقدیس را به ما نشان می‌دهد که همه‌ی آن‌ها می‌توانند به نوع ادراک ورزشکاران از حضورشان در عرصه‌ی، ورزش تعمیم داده شود. اوّلاً چون از دیدگاه افراد برخی موضوعات از اهمّیّت و تقدّس والایی برخوردارند، به احتمال فراوان، بیش‌تر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به دنبال این پدیده‌های مقدّس می‌روند و به آن‌ها اهمّیّت می‌دهند نه به اهدافی که مقدّس نیستند (پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵)؛ به عنوان نمونه، ماهونی[1] و همکاران (۲۰۰۵) تلاش‌های شخصی افراد (اهداف عادی و معمولی که افراد در زندگی روزمرّه‌ی خود به دنبال آن‌ها هستند) را در یک جامعه‌ی نمونه بررسی کرده و این مسأله را که این افراد تلاش‌های خود را تا چه حد، مظهر اراده‌ی الهی یا دارای ویژگی‌های مقدّس می‌دانند، مورد آزمایش قرار داده‌اند. نتایج نشان داده سطوح بالای تقدیس با تعهّد و کوشش بیش‌تر همراه بوده است. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان این جامعه‌ی آماری اظهار کرده‌اند زمان بیش‌تری برای فکر کردن، خواندن، مطالعه و انجام دادن اموری که برای آنان مقدّس است یا صحبت کردن درباره‌ی آن امور، صرف می‌کنند. هم‌چنین هنگامی که شرکت‌کنندگان، فعّالیّتی را به صورت اراده و خواست پروردگار می‌دیدند، اعتماد به نفس بیش‌تری داشتند و برای موفّقیّت خود بیش‌تر تلاش می‌کردند.

ثانیاً، مردم برای حفظ و صیانت جنبه‌های مقدّس زندگی که از سوی جنبه‌های دیگر تهدید می‌شود، کوشش بیش‌تری انجام می‌دهند (پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵)؛ به‌عنوان نمونه، بسیاری از مردم حضور آمریکایی‌ها در خاک کشور خود را هتک حرمتِ چیزی مقدّس می‌دانند و برای حفاظت از حرمت سرزمین خویش اقدامات شدیدی انجام می‌دهند. هم‌چنین ممکن است افراد برای حفظ ارزش‌های معنوی خود و صیانت از آن‌ها، از منابع روحانی و عرفانی مانند دعا، بخشش دیگران، اجرای آیین‌های مذهبی و حمایت‌های معنوی از دیگران، استفاده کنند (پارگامنت، ۱۹۹۷). تحقیقات تجربی زیادی، تلاش افراد را برای حفظ جنبه‌های مقدّس زندگی و حمایت از آن، بررسی کرده‌اند؛ برای مثال، در مطالعه‌ای که ماهونی و همکاران (۲۰۰۵) بر ۲۸۹ دانش‌آموز انجام داده‌اند، این نتایج به‌دست آمده است: سطوح بالای مقدّس شمردن جسم (یعنی درک بدن به‌عنوان هدیه‌ای از جانب خداوند و توصیف مقدّس‌وار جسم)، موجب ایجاد رفتارهای محافظتی (مانند بستن کمربند ایمنی، اجتناب از کار زیاد و مراقبت در خوردن) برای تأمین سلامت آن می‌شود و در سطوح پایین‌تر از مصرف سیگار و الکل جلوگیری می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد ورزشکارانی که مشارکت خود را در ورزش مقدّس می‌شمارند، بیش‌تر از سلامت جسمی و روحی خود محافظت می‌کنند. این اعمال ممکن است به اشکال گوناگونی همچون داشتن و حفظ عادت‌های سالم، آماده شدن و رقابت در چارچوب قوانین و اتّخاذ مواضع قوی در برابر کسانی که به دنبال تقلب یا لکّه‌دار کردن شهرت دیگران هستند، صورت گیرد.

[1] Mahoney

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ثالثاً، درک جنبه‌های خاصّی از زندگی با احساسات معنوی همراه است که موجب مقدّس شمرده شدن آن‌ها می‌شود (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۵). بنا به اشاره‌ی هیگز[1] (۱۹۹۲) تجارب مقدّس شمردن اغلب با احساس شادی، ستایش، قدردانی، ترس، احترام و فروتنی همراه هستند. در مجموع مقدّس شمردن پدیده‌ها، منبعی قابل اتّکا برای افراد است و آن‌ها به احتمال فراوان با دنبال کردن مسائلی که به نظرشان مقدّس است، رضایت بیش‌تر و شرایط بهتری کسب می‌کنند (پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵).

چندین مطالعه‌ی تجربی برای حمایت از این نظریّه انجام شده است. بر پایه‌ی نتایج مطالعه‌ی امونس[2] (۱۹۹۹)، تلاش‌های معنوی در مقایسه با فعّالیّت‌های شخصی‌ای که محتوای معنوی- مذهبی نداشته‌اند، درجات بالاتری از سلامت، اهداف والا در زندگی، زندگی متأهّلی و به‌طور کلّی رضایت از زندگی را نشان داده‌اند. افزون بر این، فعّالیّت‌های روحانی دارای ارزش‌های بالاتری بوده‌اند؛ چالش و تضاد در آن‌ها کم‌تر دیده شده و انجام آن‌ها سخت به‌نظر نمی‌آمده است. به‌طور مشابه، ماهونی و دیگران (۲۰۰۵) اظهار داشته‌اند که سطوح بالای مقدّس شمردن فعّالیّت‌های معنوی موجب لذّت و شادی بیش‌تر می‌گردد و حمایت شدن از جانب خانواده، دوستان و خداوند در انجام این فعّالیّت‌ها، سبب می‌شود که آن را امری از سوی پروردگار بدانند. به‌علاوه، موری[3] و همکاران (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که مقدّس شمردن زناشویی در مرد و زن موجب رضایت‌مندی بیش‌تر می‌شود. بنابراین هنگامی که ورزشکاران فعّالیّت خود را در ورزش مقدّس بدانند، به سطوح بالاتری از رضایت و آسایش دست می‌یابند. بنا به استدلال پارگامنت (۱۹۹۷) نیز کسانی که جنبه‌هایی از زندگی خود را مقدّس می‌دانند، به احتمال فراوان با بهره‌گیری از منابع معنوی به‌راحتی با مشکلات زندگی مقابله می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه، زن و شوهری که روابط خود را مقدّس‌گونه می‌بینند، بیش‌تر برای هم دعا می‌کنند و بیش‌تر به ایجاد صلح و آرامش در روابط خود کمک می‌نمایند یا افرادی که زندگی خود را مقدّس می‌دانند، در تصمیم‌گیری‌های دشوار زندگی تمایل بیش‌تری به پیروی از راهنمایی‌های الهی دارند.

در مجموع مطالعات نظری و تجربی درباره‌ی دینداری و مقدّس شمردن ورزش، چارچوبی روحی و معنوی برای فهم رابطه میان ورزش و دین ارائه می‌دهد که بسیار کاربردی است. این چارچوب به‌ویژه می‌تواند برای اندازه‌گیری این مسأله که ورزشکاران تا چه حد ورزش را فعّالیّتی

[1] Higgs
[2] Emmons
[3] Murray

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خدایی می‌بینند، آن را با ویژگی‌های بهشتی می‌سنجند و در آن مشارکت می‌جویند، مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه رابطه‌ای میان دینداری و مشارکت ورزشی وجود دارد؟

روش‌شناسی

تحقیق حاضر با روش پیمایشی انجام شده و ابزار گردآوری اطّلاعات، پرسش‌نامه بوده است. جمعیّت آماری تحقیق را همه‌ی دانشجویان دانشگاه یزد در زمان مطالعه که بر اساس آمار دانشگاه ۱۳۷۵۴ نفر بوده‌اند، تشکیل می‌دهند. برای حجم نمونه ابتدا مطالعه‌ای مقدّماتی بر ۳۰ نفر از افراد جامعه‌ی آماری انجام شد تا واریانس صفت مورد مطالعه (مشارکت ورزشی) مشخّص شود. سپس با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و فاصله‌ی اطمینان ۵ درصد و با بهره‌گیری از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب، حجم نمونه ۳۷۲ نفر انتخاب شد. پرسش‌نامه پس از احراز اعتبار و پایایی در مراحل مقدّماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر در مرحله‌ی نهایی مورد استفاده قرار گرفته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شده است.

ابزار سنجش

در این پژوهش دو متغیّر اصلی، مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است: دینداری و مشارکت ورزشی. برای سنجش میزان دینداری افراد، از مدل چندبعدی گلاک و استارک[1] (۱۹۶۵) استفاده شده است. این مدل از سوی بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی برای سنجش میزان دینداری افراد مورد تأیید و استفاده قرار گرفته است. به عقیده‌ی گلاک و استارک، همه‌ی ادیان دنیا –صرف‌نظر از تفاوت در جزئیّات– عرصه‌های مشترکی دارند که دینداری در آن‌ها متجلّی می‌شود. این عرصه‌ها که آن‌ها را می‌توان ابعاد اصلی دینداری به‌شمار آورد، عبارتند از: ۱– بعد اعتقادی یا باورهایی که انتظار می‌رود مؤمنان به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. ۲– بعد مناسکی شامل اعمال دینی مشخّصی چون عبادت، نماز و روزه که انتظار می‌رود پیروان یک دین آن‌ها را به جای آورند. ۳– بعد عاطفی (تجربی) که به عواطف و احساسات مذهبی ناشی از اعتقادات دینی نظیر ستایش،

[1] Glock & Stark

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تواضع و ترس برمی‌گردد. ۴- بعد پیامدی که ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمرّه‌ی پیرامون است. ۵- بعد فکری که مشتمل بر اطّلاعات و دانسته‌های مبنایی در زمینه‌ی معتقدات هر دین است و پیروان هر دین باید آن‌ها را بدانند (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۲۰-۲۱). شاخص میزان دینداری در ۵ بعد یاد شده، شامل ۱۵ گویه بوده که به صورت طیف لیکرت، مورد سنجش قرار گرفته است. بیش‌تر گویه‌ها قبلاً در تحقیقات علمی آزمون شده و مناسب سنجش میزان دینداری ایرانیان است. مقدار آلفای سازه‌ی دینداری در این بررسی ۰/۸۷ بوده که نشان‌دهنده‌ی هم‌بستگی درونی بالا میان گویه‌هاست. هم‌چنین میزان آلفای ابعاد دینداری یعنی بعد اعتقادی، عاطفی، فکری، پیامدی و مناسکی به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۷۱ و ۰/۷۳ بوده است.

مشارکت ورزشی در این تحقیق بر اساس نظر پوتنام، شامل شرکت آگاهانه‌ی افراد به صورت مشارکت‌کننده و تماشاچی است که با هم ارتباط متقابل دارند و در اثر این روابط متقابل، پاداش‌های اجتماعی (مانند تأیید اجتماعی و ...) میان آن‌ها مبادله می‌شود (پرکز[1]، ۲۰۰۷). هم‌چنین مشارکت اجتماعی به مفهوم مشارکت در هر نوع فعّالیّت بدنی ملایم تا شدید است که دانشجویان در خانه، دانشگاه یا اجتماع انجام می‌دهند و زمان آن کم‌تر از ۱۰ دقیقه در روز نیست؛ مانند رفت‌وآمد به دانشگاه و بازی در تیم‌های ورزشی دانشگاه و ... . برای تعیین میزان مشارکت دانشجویان در فعّالیّت‌های ورزشی از پرسش‌نامه‌ی فونگ وی یی[2] (۲۰۰۲) استفاده شده است. هم‌چنین از پاسخ‌گویان خواسته شده تا میزان مشارکت خود در فعّالیّت های ورزشی را با پاسخ دادن به یکی از گزینه‌های پرسشِ «شما در طول ماه گذشته چند بار حداقل ۲۰ دقیقه به فعّالیّت ورزشی غیر از ساعت ورزش در خانه، دانشگاه یا باشگاه پرداخته‌اید؟» نشان دهند. از پرسش‌نامه‌ی تریل و جیمز[3] (۲۰۰۱) برای سنجش میزان پیگیری رویدادهای ورزشی از طریق رسانه‌ها یعنی خواندن اخبار و مطالب ورزشی از روزنامه‌ها و مجلّات استفاده شده است. گویه‌های این متغیّر نیز در طیف شش قسمتی (اصلاً تا خیلی زیاد) ارزش‌گذاری شده‌اند.

[1] Perks
[2] Fung Wai Yee
[3] Trail & James

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یافته‌های تحقیق

از مجموع ۳۷۲ نفری که در این پژوهش به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند، ۵۳/۵ درصد را مردان و ۴۶/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. در این میان، ۸۲/۹ درصد از دانشجویان مجرّد و ۱۷/۱ درصد متأهّل بوده‌اند. هم‌چنین ۵۶/۷ درصد از آن‌ها در مقطع لیسانس، ۳۹/۱ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۴/۲ درصد در مقطع دکتری قرار داشته‌اند. علاوه بر این، ۴۱/۵ درصد از دانشجویان در رشته‌های علوم انسانی، ۲۷/۳ درصد در رشته‌های علوم پایه و ۳۱/۲ درصد در رشته‌های فنّی- مهندسی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

جدول شماره‌ی یک- آمار توصیفی متغیّرهای دینداری و مشارکت ورزشی به تفکیک جنس

متغیّر	گروه‌ها	میانگین	واریانس	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
دینداری	مرد	۴۸/۳۱	۹۱/۸۵	۱۱/۰۷	۱۹	۷۱
	زن	۵۲/۲۳	۷۶/۲۱	۹/۶۳	۲۰	۷۳
مشارکت ورزشی	مرد	۲۷/۲۵	۴۵/۸۷	۷/۰۱	۱۳	۳۹
	زن	۲۵/۳۱	۴۲/۱۲	۶/۲۶	۱۱	۳۵

با توجّه به جدول بالا، میانگین و انحراف معیار دینداری در گروه مردان به ترتیب ۴۸/۳۱ و ۱۱/۰۷ و در گروه زنان ۵۲/۲۳ و ۹/۶۳ بوده است. هم‌چنین میانگین و انحراف معیار مشارکت ورزشی در گروه مردان ۲۷/۲۵ و ۷/۰۱ و در گروه زنان ۲۵/۳۱ و ۶/۲۶ برآورد شده است.

جدول شماره‌ی دو- آزمون تی برای مقایسه‌ی میانگین میزان مشارکت ورزشی برحسب وضعیّت تأهّل

متغیّر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	آزمون تی	سطح معنی‌داری
وضعیّت تأهّل	مجرّد	۲۶/۹۴	۸/۵۶	۲/۱۱۴	۰/۰۳۴
	متأهّل	۲۴/۵۷	۱۰/۸۴		

در جدول شماره‌ی دو، نتایج بررسی میزان مشارکت ورزشی دانشجویان برحسب وضعیّت تأهّل آمده است. میانگین نمرات نشان می‌دهد بین افراد مجرّد و متأهّل از نظر مشارکت ورزشی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که میانگین مشارکت ورزشی افراد مجرّد (۲۶/۹۴) بالاتر از میزان مشارکت ورزشی افراد متأهّل (۲۴/۵۷) است (P<۰/۰۵).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی سه- خروجی آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه‌ی میانگین مشارکت ورزشی برحسب مقطع تحصیلی

متغیّر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی‌داری
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۲۸/۱۱	۹/۲۱	۳/۰۱۷	۰/۰۲۵
	کارشناسی ارشد	۲۷/۳۴	۱۰/۵۴		
	دکتری	۲۵/۸۳	۱۲/۹۶		

در جدول شماره‌ی سه، نتایج بررسی تفاوت میزان مشارکت ورزشی برحسب مقطع تحصیلی دانشجویان آمده است. میانگین نمرات نشان می‌دهد بالاترین میزان مشارکت ورزشی متعلّق به دانشجویان کارشناسی (۲۸/۱۱) و کم‌ترین میانگین مربوط به دانشجویان مقطع دکتری (۲۵/۸۳) بوده است. از آن جا که تفاوت مشاهده شده بین میانگین گروه‌های مختلف، از نظر میزان مشارکت ورزشی معنادار است (P< ۰/۰۵)، این فرضیّه تأیید شده است.

با توجّه به این که متغیّرها در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، برای بررسی رابطه‌ی دینداری و ابعاد آن با میزان مشارکت ورزشی، از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده و نتایج این آزمون‌ها در جدول زیر گزارش شده است.

جدول شماره‌ی چهار- ماتریس هم‌بستگی مرتبه‌ی صفر میان دینداری و ابعاد آن و مشارکت ورزشی

متغیّرها و ابعاد	**مشارکت ورزشی**	اعتقادی	عاطفی	پیامدی	فکری	مناسکی
اعتقادی	۰/۳۵۶***					
عاطفی	۰/۳۱۲***	۰/۳۱۵***				
پیامدی	۰/۳۲۳***	۰/۲۹۴***	۰/۲۱۷***			
فکری	۰/۱۲۴***	۰/۳۳۵***	۰/۳۶۲***	۰/۳۵۱***		
مناسکی	۰/۲۶۵***	۰/۴۸۴***	۰/۳۸۶***	۰/۴۶۳***	۰/۴۱۸***	
دینداری	۰/۳۸۶***	۰/۶۸۷***	۰/۵۸۴***	۰/۶۲۵***	۰/۷۰۱***	۰/۶۵۸***

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد میان ابعاد مختلف دینداری و مشارکت ورزشی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، با افزایش سطح مؤلّفه‌های دینداری، میزان مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد. در میان ابعاد مختلف دینداری، بعد اعتقادی و پس از آن، بعد پیامدی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دارای قوی‌ترین هم‌بستگی با مشارکت ورزشی هستند. سازه‌ی دینداری (ترکیب پنج بعد مناسکی، عاطفی، دانشی، اعتقادی و فکری) نیز رابطه‌ی معنادار و مستقیمی با میزان مشارکت ورزشی دارد (P< ۰/۰۱).

جدول شماره‌ی پنج- خلاصه‌ی آماره‌های مربوط به برازش مدل

Sig.	F	Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
۰/۰۰۰	۳۱/۲۴۸	۲۸/۱۱۹	۰/۳۲۰	۰/۳۴۱	۰/۴۸۲	۱

برای محاسبه‌ی تأثیر هم‌زمان متغیّرهای مستقل بر متغیّر وابسته، از رگرسیون استفاده شده است. جدول فوق خلاصه‌ای از تأثیر هم‌زمان متغیّرهای مستقل را بر میزان مشارکت ورزشی نشان می‌دهد. همان‌گونه که از این جدول برمی‌آید، ضریب هم‌بستگی چندگانه‌ی این متغیّرها با میزان مشارکت ورزشی برابر با R= ۰/۴۸۲ است؛ یعنی، هم‌بستگی میان مجموعه متغیّرهای مستقل و متغیّر وابسته در حدود متوسّط است که نه بسیار قوی و نه بسیار ضعیف است. ستون دوم مجذور ضریب هم‌بستگی چندگانه یا ضریب تعیین است. ضریب تعیین، میزان تبیین واریانس و تغییرات متغیّر وابسته به‌وسیله‌ی متغیّرهای مستقل را نشان می‌دهد. این ضریب در این جدول برابر با R Square= ۰/۳۴۱ است. اشکال ضریب تعیین، آن است که موفّقیّت مدل را بیش از اندازه برآورد می‌کند و کم‌تر تعداد متغیّرهای مستقل و نیز حجم نمونه را در نظر می‌گیرد. هم‌چنین ضریب تعیین تعداد درجات آزادی را به حساب نمی‌آورد. از این رو، برخی آماردانان ترجیح می‌دهند از شاخص دیگری به نام ضریب تعیین تعدیل‌شده یا بتا استفاده کنند. این ضریب در این جدول برابر با ۰/۳۲۰ است؛ یعنی، ۳۲ درصد از تغییرات مشارکت ورزشی به‌وسیله‌ی متغیّرهای مستقل این تحقیق تبیین می‌شود. در این جدول میزان خطای استاندارد برابر با ۲۸/۱۱۹ و مقدار F در این مدل برابر با ۳۱/۲۴۸ است. با توجّه به سطح معناداری F در این مدل که برابر با ۰/۰۰۰ است و نیز مقدار F، این مدل تقریباً مدل مناسبی برای تبیین تغییرات متغیّر وابسته محسوب می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی شش- ضریب رگرسیونی متغیّرهای مستقل

گویه‌های مستقل	ضرایب خام		ضرایب استاندارد شده	T	Sig	آماره F	سطح معناداری آماره F
	B	Std. Error	Beta				
اعتقادی	۰/۱۸۲	۰/۰۵۳	۰/۴۳۲	۴/۱۱۲	۰/۰۰۰	۳۱/۲۴۸	۰/۰۰۰
عاطفی	۰/۱۴۱	۰/۰۲۶	۰/۳۵۲	۳/۰۱۸	۰/۰۰۰		
پیامدی	۰/۱۰۷	۰/۰۳۲	۰/۳۹۶	۳/۸۱۵	۰/۰۰۰		
فکری	۰/۰۵۲	۰/۰۲۸	۰/۱۳۶	۵/۱۸۲	۰/۰۰۰		
مناسکی	۰/۱۶۲	۰/۰۲۷	۰/۲۰۳	۲/۱۵۲	۰/۰۰۰		

جدول شماره‌ی شش، ضریب رگرسیونی متغیّرهای مستقل را نشان می‌دهد. با توجّه به این که پنج متغیّر مستقل معنادار شده‌اند، هر پنج متغیّر را آورده‌ایم. در این جدول ضریب تأثیر رگرسیونی، بر دو دسته است: ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده یا بتا (Beta) و ضریب تأثیر استاندارد نشده (B). در تحلیل رگرسیونی ضریب تأثیر استاندارد شده به ما کمک می کند تا تأثیر نسبی هریک از متغیّرهای مستقل را بر متغیّر وابسته مشخّص کنیم؛ یعنی، هرچه میزان ضریب بتای متغیّر بیش‌تر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیّر وابسته بیش‌تر است. در جدول بالا، این مقدار برای بعد اعتقادی برابر با ۰/۴۳۲، برای بعد عاطفی برابر با ۰/۳۵۲، برای بعد پیامدی برابر با ۰/۳۹۶، برای بعد فکری برابر با ۰/۱۳۶ و برای بعد مناسکی برابر با ۰/۲۰۳ است؛ یعنی، این پنج متغیّر با مقادیر یاد شده، بر میزان مشارکت ورزشی تأثیر داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

ورزش به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی فراگیر، ارتباط نزدیکی با بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی افراد جامعه دارد؛ به‌گونه‌ای که جایگاه مهمّی در فرهنگ جوامع مختلف پیدا کرده و فعّالیّت‌های مرتبط با آن، زمان و انرژی فراوانی از افراد هر جامعه را به خود اختصاص می‌دهد. اهمّیّت ورزش برای سلامت جامعه و اعضای آن، به اندازه‌ای است که برخی جامعه‌شناسان آن را دین مدنی جامعه‌ی معاصر دانسته‌اند (شارع پور، ۱۳۸۱: ۱۱۲). ورزش موجب فهم نمادهای مشترک برای ایجاد توافق و تفاهم میان افراد در راستای انسجام اجتماعی می‌شود. در این زمینه،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

الیاس ورزش را کلید شناخت جوامع و مدخلی مناسب برای تحلیل ساختارهای حاکم بر جوامع می‌داند (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۹۲: ۳).

هدف مقاله‌ی حاضر، تبیین نظری و تجربی تأثیر دینداری بر مشارکت ورزشی بوده است. مردم ایران به‌عنوان اعضای جامعه‌ای که دین و آموزه‌ها و اصول دینی نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارها و فعّالیّت‌های آنان دارد، بی‌تردید در فعّالیّت‌های ورزشی و فیزیکی –به‌عنوان یکی از حوزه‌های رفتار اجتماعی– نیز این آموزه‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند و برای آن‌ها ارزش و اهمّیّت فراوانی قائل هستند. نتایج این مطالعه نشان داده میان دینداری و ابعاد آن و مشارکت ورزشی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که با افزایش میزان دینداری در میان دانشجویان، مشارکت آنان در ورزش نیز افزایش می‌یابد. مقایسه‌ی میانگین دینداری در بین مردان و زنان نشان‌دهنده‌ی آن است که میانگین نمرات دینداری در زنان به‌طور معناداری بیش‌تر از مردان است. تحقیقات بسیاری، تفاوت در میزان دینداری زنان و مردان را تأیید کرده‌اند؛ مدیری و آزاد ارمکی (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیده‌اند که در همه‌ی مؤلّفه‌های دینداری، تفاوت جنسیّتی به نفع زنان در سطح معناداری وجود دارد. در ارزش‌های دینی، اعتقادات دینی، انجام مناسک دینی فردی، پیامدهای زندگی، اندیشیدن درباره‌ی معنای زندگی، نیایش با خداوند خارج از فرایض و عبادات دینی و اعتقاد به آرامش‌بخش بودن دین، زنان به‌طور معناداری دیندارتر از مردان هستند. توسّلی و مرشدی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود نشان داده‌اند جنسیّت بر متغیّر دینداری اثرگذار است؛ به‌گونه‌ای که باور دینی و پای‌بندی به اعمال فردی در میان دانشجویان دختر بیش‌تر از دانشجویان پسر است. علاوه بر این، نجفی و همکاران (۱۳۸۵) و سراج‌زاده و پویافر (۱۳۸۷) در تحقیقات خود به توصیف دینداری بیش‌تر زنان نسبت به مردان پرداخته‌اند.

هم‌چنین نتایج تحقیق حاضر نشان داده میزان مشارکت ورزشی مردان بیش‌تر از زنان است؛ به عنوان نمونه، فوکس و ریچاردز[1] (۲۰۰۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که مردان به‌طور کلّی نسبت به زنان مشارکت بیش‌تری در فعّالیّت‌های بدنی و فراغتی دارند. از دیگر نتایج تحقیق آنان این بوده که زنان فقط در رشته‌هایی مانند یوگا و شنا بیش‌تر از مردان مشارکت دارند و در سایر رشته‌های ورزشی، مردان اکثریّت شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند. بررسی‌ها در مینه سوتا (۱۹۹۸) نشان داده فعّالیّت‌های ورزشی در زنان به‌طور قابل ملاحظه‌ای پایین است؛ این فعّالیّت‌ها

[1] Fox & Richards

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در زنان کم‌تر از مردان است و با افزایش سن، کاهش می‌یابد. ویلجالمسون و جانسدوتیر[1] (۲۰۰۳) در پژوهشی درباره‌ی بررسی تفاوت‌های جنسیّتی در فعّالیّت‌های بدنی، نتیجه گرفته‌اند که در دو سطح فعّالیّت‌های سبک و فعّالیّت‌های سنگین جسمانی، تفاوت معناداری بین مردان و زنان وجود دارد. بر پایه‌ی نتایج این تحقیق، زنان بیش‌تر به مشارکت در فعّالیّت‌های سبک تمایل دارند، امّا گرایش به فعّالیّت‌های سنگین جسمی در میان مردان بیش‌تر مشاهده می‌شود.

وجود رابطه‌ی معنادار میان دینداری و مشارکت ورزشی را تحقیقات پژوهشگرانی چون پارگامنت و ماهونی (۲۰۰۵)، هیگز (۱۹۹۲)، امونس (۱۹۹۹) و موری و همکاران (۲۰۰۵) تأیید کرده است. به‌طور مشابه، ماهونی و همکاران (۲۰۰۵) نشان داده‌اند سطوح بالای مقدّس شمردن فعّالیّت‌های ورزشی موجب لذّت و شادی بیش‌تر می‌شود و حمایت شدن از جانب خانواده، دوستان و خداوند در انجام این فعّالیّت‌ها، سبب می‌شود که آن را امری از سوی پروردگار بدانند و گرایش بیش‌تری به شرکت در ورزش داشته باشند. درجات بالاتر مقدّس‌شماری ورزش در میان ورزشکاران با احساسات معنوی قوی‌تر یا روحیّه‌ی نیرومندتر و در نتیجه، گرایش به استفاده از منابع مقدّس همراه بوده است. بر اساس یافته‌های ورناچیا و همکاران (۲۰۰۰) و وریزبرگ و همکاران (۲۰۰۴) کسانی که فعّالیّت ورزشی خود را مقدّس می‌دانند، احتمال این که در شرایط سختی و دشواری به سوی خدا بروند و از او کمک بخواهند، بیش‌تر است. آن‌ها در پژوهش خود نشان داده‌اند برخی ورزشکاران عقاید و اعمال مذهبی خود را به شکلی پررنگ همراه خویش به زمین بازی می‌برند و دین برای برخی قهرمانان ورزشی به‌عنوان راهی برای آمادگی، عملکرد و ارزیابی آنان از فعّالیّت ورزشی‌شان دارای اهمّیّت است. در واقع، جایگاه دین در زندگی ورزشکاران و در نتیجه در ورزش، چندوجهی، مشترک و قدرتمند است. به‌نظر می‌رسد عقاید و باورهای مذهبی در مواضع مختلفی برای مقابله با فراز و نشیب‌های ورزشی، به ورزشکاران کمک می‌کند و به آن‌ها درک عمیق‌تری نسبت به تجربیّاتشان می‌دهد.

نکته‌ی قابل ذکر در این پژوهش آن است که برای بسیاری از افراد، فعّالیّت ورزشی با تقدّس و معنویّت همراه است. اظهارات یک ورزشکار به روشن شدن این مطلب کمک می‌کند: «من به درگاه الهی دعا می‌کنم. من از او به خاطر پرتاب‌های غیرقابل باوری که در آن‌ها حضورش را حس می‌کنم، تشکّر می‌کنم». از این رو، در نظر بسیاری از افراد، شرکت در فعّالیّت‌های ورزشی چیزی فراتر از تفریح یا سرگرمی و نشان‌دهنده‌ی تجربه‌ای مقدّس است؛ تجربه‌ای که در آن به راز و نیاز

[1] Viljalmsson & Jansdottir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

با خداوند می‌پردازند. ورزشکاری در این زمینه می‌گوید: «ورزش کردن من نوعی عبادت است... برای نزدیک‌تر شدن به خدا...» (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۵).

نگاه به ورزش به‌عنوان امری مقدّس، تأثیراتی بر دیگر جنبه‌های زندگی افراد نیز دارد. هنگامی که ورزشکاران معنویّات را با فعّالیّت حرفه‌ای خود درمی‌آمیزند، بیش‌تر به منابع معنوی می‌پیوندند و از تجربه‌های معنوی بیش‌تری برخوردار می‌شوند. هم‌چنین این افراد بیش‌تر ممکن است معنای خاصّی برای فعّالیّت خود قائل شوند. نمونه‌ای از ارتباط با منابع معنوی را در اظهارات یکی از ورزشکاران می‌توان دید: «وقتی شرایط زندگی‌ام سخت می‌شود، به خدا توجّه می‌کنم و زمانی که اوضاع خوب است، از او تشکّر می‌کنم». ورزشکار دیگری می‌گوید: «زمانی که در ورزش به چالش برمی‌خورم، برای راهنمایی گرفتن به اعتقادات و باورهایم مراجعه می‌کنم». یک ورزشکار دیگر نیز چنین اظهار می‌کند: «من در سختی‌ها از خدا می‌خواهم به من کمک کند تا بتوانم از آن‌ها عبور کنم و کمکم کند بتوانم بهترین چیزی که می‌توانم، باشم». در زمینه‌ی برخورداری از حسّ معنوی، یکی از ورزشکاران به گفته‌ی خود، هنگامی که به زمین ورزش می‌رود، روی چمن‌ها دراز می‌کشد؛ مسابقه را در ذهن خود مجسّم می‌کند؛ به دعا می‌پردازد و از خداوند برای بازی در آن مسابقه پیشاپیش تشکّر می‌کند. به باور ورزشکاری دیگر، برخورداری از حسّ مقدّس در ورزش، تجربه‌ای رایج است. او می‌گوید: «هر ورزشکار حرفه‌ای می‌تواند این را به شما بگوید... وقتی شما تمام تلاش خود را بکنید و تا جایی که می‌توانید با تمام وجود بازی کنید، نمی‌توانید از ایجاد حسیّ غیرقابل وصف در خود جلوگیری کنید». در زمینه‌ی معنا دادن به فعّالیّت ورزشی، یک دانشجوی ورزشکار اظهار می‌دارد: «ورزش کردن من وسیله‌ای است که می‌توانم با آن خداوند را به‌وسیله‌ی استفاده کردن از نعمتی که به من داده است، خوشحال کنم». همان‌گونه که این اظهارات و اصولاً کلّ تحقیق نشان می‌دهد، دینداری و معنویّت افراد موجب گرایش آنان به ورزش می‌شود؛ رویکرد افراد به فعّالیّت ورزشی‌شان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ به آن‌ها کمک می‌کند با پیروزی‌ها و شکست‌ها در ورزش کنار بیایند و معنایی منطقی برای فعّالیّت خود قائل شوند (موری و همکاران، ۲۰۰۵).

در مجموع، آن چه از این پژوهش استنباط می‌شود، این است که دینداری دانشجویان به مشارکت آنان در ورزش خواهد انجامید؛ به عبارت دیگر، با آگاهی از این موضوع که بسیاری از ورزشکاران فعّالیّت ورزشی‌شان را با احساسات معنوی خود همراه می‌کنند، مربّیان و مشاوران می‌توانند محیطی را فراهم آورند که افراد بتوانند به معنویّات خود توجّه کنند؛ به‌عنوان نمونه،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌توانند قبل از بازی چند دقیقه را به تمرکز، مراقبه یا دعا اختصاص دهند. هم‌چنین مشاوران می‌توانند با ورزشکارانی که از اعتقادات دینی برخوردارند، درباره‌ی تأثیرات این اعتقادات بر فعّالیّت ورزشی‌شان صحبت کنند و بدین ترتیب، به ورزشکاران نشان دهند که به اعتقادات معنوی آن‌ها احترام می‌گذارند. صحبت کردن مشاوران با ورزشکاران درباره‌ی اعتقادات دینی آن‌ها فایده دیگری نیز دارد؛ زیرا با آگاهی از اعتقادات فرد می‌توان از ارائه‌ی مشاوره‌های مضر یا گفتن سخنانی که تأثیر منفی دارند، جلوگیری کرد. مربّیان و ورزشکاران با آگاهی از اعتقادات معنوی ورزشکاران و حسّاس بودن نسبت به آن، می‌توانند اعتماد ورزشکاران را بیش‌تر به خود جلب کنند؛ محیطی آرام‌تر برای آنان فراهم آورند و آن‌ها را از حمایت خود مطمئن‌تر کنند. هم‌چنین این آگاهی کمک می‌کند که ورزشکار را بهتر بشناسند و منابع معنوی مفید و مضر برای هر فرد را تشخیص دهند (کوئینتن، ۲۰۰۸).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. آرین، خدیجه (۱۳۷۸) «**بررسی رابطه بین دینداری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا**»، رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علّامه طباطبایی.

۲. انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳) «**پژوهشی راجع به تقدیرگرایی**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه علّامه طباطبایی.

۳. پارسامهر، مهربان و ترکان، رحمت‌اله (۱۳۹۱) «بررسی رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت در فعّالیّت‌های ورزشی (مطالعه‌ی موردی: پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر یزد)»، **پژوهش پرستاری**، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲۶، صص ۶۹-۷۹.

۴. توسّلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵) «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه‌ی موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر)»، **جامعه‌شناسی ایران**، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۴، صص ۹۶-۱۱۸.

۵. جعفری، علی‌اکبر و قاسمی، نعیمه (۱۳۹۲) «ورزش باستانی زورخانه و جایگاه آن در ترویج تشیّع»، **فصلنامه‌ی شیعه‌شناسی**، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۲.

۶. حشمت یغمایی، محمّدتقی (۱۳۸۰) «**دینداری نوجوانان و عوامل مؤثّر بر آن**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه علّامه طباطبایی.

۷. سراج‌زاده، سیّد حسین و پویافر، محمّدرضا (۱۳۸۷) «دین و نظم اجتماعی، بررسی رابطه‌ی دینداری با احساس آنومی و کج‌روی»، **مسائل اجتماعی ایران**، سال شانزدهم، شماره‌ی ۶۳، صص ۷۱-۱۰۵.

۸. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۱) «ورزش و جامعه»، **ماهنامه‌ی فرهنگ عمومی**، شماره‌ی ۳۰.

۹. مدیری، فاطمه و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲) «جنسیّت و دینداری»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و چهارم، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۵۱)، صص ۱-۱۴.

۱۰. نجفی، محمود؛ احدی، حسن و دلاور، علی (۱۳۸۵) «بررسی رابطه‌ی کارایی خانواده و دینداری با بحران هویّت»، **دانشور رفتار**، سال سیزدهم، شماره‌ی ۱۶، صص ۱۷-۲۶.

۱۱. نوابخش، مهرداد و جوانمرد، کمال (۱۳۹۲) «بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه‌ی هشتاد (مورد مطالعه: کرمان)»، **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر**، سال هفتم، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۲۲)، صص ۱-۳۶.

۱۲. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷) **جامعه‌شناسی دین**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

13. Balague, G (1997) «Understanding identity, value, and meaning when working with elite athletes», **The Sport Psychologist**, No. 13.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

14. Brasch, R (1972) **How Did Sports Begin? A Look at the Origins of Man**, Longman.
15. Coakley, J (2001) **Sport in society: Issues & controversies**, (2nd ed.). New York :McGraw Hill.
16. Dillon, K. M & Tait, J. L (2000) «Spirituality and being in the zone in team sports: A relationship?», **Journal of Sport Behavior**, No. 23.
17. Eitzen, D. S & Sage, G. H (1997) **Sociology of North American Sport**, (6th ed.). Boston: McGraw-Hill.
18. Emmons, R. A (1999) **The psychology of ultimate concerns: motivation and spirituality in personality**, New York: Guilford Press.
19. Fox, K & Richards, L (2002) **Sport and leisure**, Office for National Statistics publisher, London.
20. Fung Wai Yee, F (2002) «Physical activity participations and their determinants in adolescent girls in Hong Kong», **The University of Hong Kong**, pp: 132-134.
21. Glock, C. Y & Stark (1965) **The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in tension**, Chicago Rand McNally.
22. Higgs, R. J (1992) «Muscular Christianity, holy play, and spiritual exercises: Confusion about Christ in sports and religion», In S.J. Hoffman (Ed.), **Sport and religion** (pp. 89-104). Champaign, IL: Human Kinetics.
23. Hoffman, S. J (1992) «Recovering a sense of the sacred in sport», In S.J. Hoffman (Ed.), **Sport and religion** (pp. 153-159). Champaign, IL: Human Kinetics. James,W. (1961).The varieties of religious experience. New York: Simon and Schuster.
24. Jona, I. N & Okou, F. T (2013) «Sports And Religion», **Asian Journal Of Management Sciences And Education**, Vol. 2, No. 1.
25. Mahoney, A & Pargament, K. I & Cole, B & Jewell, T & Magyar, G & Tarakeshwar, N (2005) «A higher purpose: The sanctification of strivings in a community sample», **The International Journal for the Psychology of Religion**, No. 15.
26. Murray, S & Pargament, K. I & Mahoney, A (2005) «At the crossroads of sexuality and spirituality: The sanctification of sex by college students», **The International Journal for the Psychology of Religion**, No. 16.
27. Novak, M (1992) «The natural religion», In S.J. Hoffman (Ed.), **Sport and religion** (pp. 35-42). Champaign, IL: Human Kinetics.
28. Pargament, K. I (1997) **The psychology of religion and coping: Theory, research, practice**, New York: Guilford Press.
29. Pargament, K. I & Mahoney, A (2005) «Sacred Matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion», **The International Journal for the Psychology of Religion**, No. 15.
30. Perks, T (2007) «Does sport foster social capital? The contribution of sport to a life style of community participation», **Sociology of Sport Journal**, 24, pp: 378-401.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

31. Prebish, C. S (1993) **Religion and sport: The meeting of the sacred and the profane**, Westport, CT: Greenwood Press.

32. Quinten, K. L (2008) **Sacred Sport**: **A Study of Student Athletes' Sanctification of Sport,** Submitted to the Graduate College of Bowling Green State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.

33. Ryan, E. D (1980) «Attribution, intrinsic motivation, and athletics, a replication and extension, in CH Nadaea, WR Halliowell, KM Newell & C Roberts», **Human Kinetics**, Champaign, IL, 19:26.

34. Sallis, J. F & Prohasca, J. J & Taylor, W. C (2000) «A review of correlates of physical activity of children and adolescents», **Medicine and Science in Sports and Exercise**, 32: 963-975.

35. Schumann, M (2002) **How we Become Moral**, in C.R. Snyder & S.J. Lopez (Eds.), Handbook of Positive, Oxford, Oxford University Press.

36. Storch, E. A & Storch, J. B (2002) «Intrinsic religiosity and aggression in a sample of intercollegiate athletes», **Psychological Reports**, No. 91.

37. Storch, E. A & Storch, J. B & Kovacs, A. H & Okun, A & Welsh, E (2003) «Intrinsic religiosity and substance abuse in intercollegiate athletes», **Journal of Sport & Exercise Psychology**, No. 25.

38. Trail, G. T & James, J. D (2001) «The motivation scale for sport consumption: assessment of the scales psychometric properties», **Journal of Sport behavior**, 24(1), pp: 108-127.

39. Vernacchia, R. A & McGuire, R. T & Reardon, J. P & Templin, D. P (2000) «Psychosocial characteristics of Olympic track and field athletes», **International Journal of Sport Psychology**, No. 31.

40. Viljalmsson, A & Jansdottir, G (2003) «Gender differences in physical activity in older children and Adolescents: the central role of organized sport», **Journal of Social Science & medicine**, No. 56.

41. Wiese, B.D (2000) «Spirit, Mind, and Body», **Athletic Therapy Today**, No. 5.

42. Weiss, M. R (1993) «Psychology effects of intensive sport participation on children and youth: self-esteem and motivation», In. B. R. Chaill & A. J. Pear (Eds), **intensive participation in childrens sport**, 16(9): 39-69.

43. Wilbur, J & Miller, A. M & Montgomery, A & Chandler, P (1998) «Womens physical activity patterns: Nursing implications», **JOGNN**, No. 4.

44. Wrisberg, C & Fisher, L & Thompson, C & Hayes, G (2004) «The experience of Christian prayer in sport- an existential phenomenological investigation», **Journal of Psychology and Christianity**, No. 2.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

45. Zulling, K. J & Ward, R. M & Horn, T (2006) «The Association between Perceived Spirituality, Religiosity and Life Satisfaction: the Mediating Role of Self RatedHealth», **Social Indicators Research**, 79, pp: 255-274.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]